



OPEN ACCESS



تحلیل گفتمان پیام های آیت الله خامنه ای در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف امین صادقی بکیانی^۱

۵۶

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۰۴-۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۲-۰۶

صص: ۲۱۹-۲۰۳

شابا جایی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده

این مقاله با هدف تحلیل گفتمان پیام های آیت الله خامنه ای در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران، از دیدگاه گفتمان انتقادی و با استفاده از رویکرد قدیم و جدید نورمن فرکلاف انجام شده است. این پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوایی و گفتمانی است و جامعه آماری آن شامل تمامی پیام های منتشر شده از سوی آیت الله خامنه ای در زمان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران است. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام شده و چهار پیام کلیدی مورد تحلیل قرار گرفته اند. داده ها از طریق مطالعه اسنادی جمع آوری شدند و با استفاده از چارچوب نظری فرکلاف تحلیل گردیدند. روایی و پایایی تحقیق با استفاده از روش های تأیید اسنادی و تحلیل چندگانه تضمین شد. یافته ها نشان دادند که گفتمان رهبری در این پیام ها با استفاده از مضامین مقاومتی، دینی و ملی، به تقویت انسجام اجتماعی، مقابله با تبلیغات دشمن و تقویت هویت ملی-دینی کمک کرده است. همچنین، این گفتمان به عنوان گفتمانی جایگزین، گفتمان وابسته به غرب را به چالش کشیده و موانع فرهنگی و سیاسی را شناسایی کرده است. در نهایت، چارچوب فرکلاف به خوبی توانسته رابطه بین زبان، قدرت و بافت اجتماعی را در ساختار گفتمانی رهبری آشکار کند.

واژگان کلیدی:

تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان مقاومتی، پیام های رهبری، رژیم صهیونیستی، هویت ملی، انسجام اجتماعی

مقدمه:

مفهوم در سال‌های اخیر، تحولات سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در رابطه با رژیم صهیونیستی و ایران، یکی از مباحث برجسته و پرتنش سیاست خارجی کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود. روابط ایران و اسرائیل از یک رابطه غیررسمی و پنهانی در دوران پهلوی به یک رابطه دشمنانه و مبتنی بر تقابل کامل در دوران پس از انقلاب اسلامی تغییر یافته است. این تحول نه تنها نتیجه تغییر در سیاست خارجی ایران، بلکه ناشی از تغییر در مواضع ایدئولوژیک و سیاسی جامعه ایران نسبت به صهیونیسم و مسئله فلسطین بوده است. تجاوزات مکرر رژیم صهیونیستی به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، همواره مورد توجه جهانی قرار گرفته و از سوی دیگر، پاسخ‌های هوشمندانه و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه از طریق گفتمان‌های رهبری، موجب تغییرات عمیق در موازنه قدرت منطقه‌ای شده است.

در دنیای امروز، گفتمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک نقش به‌سزایی در شکل‌دهی به هویت ملی، مذهبی و اجتماعی کشورها دارند. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این گفتمان‌ها مطرح است، رویکرد رهبران و نظام‌های سیاسی به‌مسئله رژیم صهیونیستی است. در متون منتشر شده از سخنان رهبران اسلامی، تحلیل‌های عمیقی از ماهیت رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر عدالت بین‌المللی و حقوق بشر به چشم می‌خورد. در این میان، پیام‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان ستون فقرات گفتمان مقاومت و دفاع از حاکمیت ملی، نقشی برجسته‌ای در تعریف دشمن، تقویت هویت ملی، توجیه تصمیمات نظامی-سیاسی و شکل‌گیری رویکردهای دفاعی و سیاسی ایران ایفاء کرده است. در واکنش به این تجاوزات، پیام‌های رهبری ایران به عنوان بخشی از گفتمان مقاومتی، نقش مهمی در داشته‌اند.

ضرورت بررسی این موضوع در این واقعیت نهفته است که گفتمان‌های رهبری، به‌ویژه در شرایط بحران، نقش کلیدی در تثبیت انسجام داخلی، شکل‌دهی به هویت ملی و هدایت سیاست‌های دفاعی و دیپلماتیک کشور ایفا می‌کنند. همچنین، با توجه به نقش رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی در جنگ‌های نوین، درک چگونگی عملکرد گفتمان‌های رهبری در مقابل تجاوزگران، دارای اهمیت عملی و نظری برجسته‌ای است. تاکنون مطالعاتی در خصوص گفتمان‌های سیاسی اسلامی و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به مقاومت انجام شده است، اما تحلیل دقیق و جامع از پیام‌های رهبری در زمان‌های بحرانی و نقش آن‌ها در تقویت دفاع ملی و مقابله با روایت دشمن، همچنان نیازمند توجه بیشتری است.

مسئله اصلی این پژوهش این است که چگونه گفتمان پیام‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی، انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی نقش یافته است. این مقاله به دنبال پاسخ به سوال اصلی زیر است: «چگونه گفتمان پیام‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی، انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی نقش یافته است؟» هدف این مقاله، بررسی گفتمان پیام‌های رهبری در زمان تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران، با تمرکز بر نقش آن در تقویت دفاع ملی، تداوم انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی است. همچنین، این مقاله به دنبال شناسایی مفاهیمی چون مقاومت فرهنگی، عقلانیت راهبردی، وحدت ملی و دفاع مشروع در متن این پیام‌ها است.

در این مقاله، ابتدا مقدمه‌ای از مسأله، ضرورت و اهمیت موضوع بیان شده است. سپس، به تحلیل گفتمان چهار پیام رهبری در زمان تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران براساس روش تحلیل گفتمان با رویکرد قدیم و جدید نورمن فرکلاف پرداخته و نقش این گفتمان‌ها در سیاست‌های دفاعی، انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، یافته‌های تحلیلی با تأکید بر اهداف مقاله گردآوری شده و پاسخی جامع به سوال اصلی ارائه شده است. بنابراین، این مقاله از منظری قیاسی (کل به جزء) سازماندهی شده و هر بند به صورت زنجیروار به بند دیگر متصل است و در پایان، مسأله به صورت سوالی مطرح می‌شود: «آیا و چگونه گفتمان پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی، انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی نقش یافته است؟»

مبانی نظری:

نظریه‌های آلتوسر و گرامشی در باب ایدئولوژی نیز تحلیل گفتمان انتقادی را تحت تأثیر قرار داده است. در این دیدگاه، ایدئولوژی بخشی از عقل سلیم و فهم مشترک و به تبع آن جزیی از عمل اجتماعی محسوب می‌شود. کارکردهای زبانی نیز هسته‌ی ایدئولوژی به شمار می‌رود (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۴). محققان این حوزه همچنین تلاش دارند تا موقعیت و علایقشان را صراحتاً آشکار سازند. این تلاش، مادامی که ایشان روش‌شناسی‌های علمی مختص به خود را حفظ نموده و همچنان پاسخگوی فرایند مطالعاتی خودشان باشند، ادامه خواهد یافت. تشکیل شبکه تحلیل انتقادی گفتمان، با آغاز به کار نشریه «گفتمان و جامعه» (۱۹۹۰) توسط ون‌دایک مشخص می‌شود (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۸).

ریشه تحلیل گفتمان را می‌توان در «رتوریک» در عهد باستان دنبال کرد. البته رتوریک معنای وسیعی دارد و اغلب «به فن مطالعه گفتمان اقناعی خطاب به حضور جمع» گفته می‌شود. یعنی از اجزای اصلی رتوریک کلاسیک تأکید بر ابزارهای ویژه برای «به یاد ماندنی تر و در نتیجه قانع کننده‌تر کردن» گفتمان بود (ون دایک، ۱۳۸۹). تحلیل گفتمان، به عنوان یکی از ابزارهای پژوهشی قدرتمند در علوم اجتماعی، به مطالعه نحوه ساخت معنا در زبان، متن و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. این روش از حوزه‌های مختلفی از جمله زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی تغذیه می‌کند (Wodak & Meyer, ۲۰۰۹: ۱۱).

انواع رویکردهای مطالعاتی در تحلیل گفتمان به چهار مورد تقسیم می‌شوند. ۱- رویکرد صورت یا ساختارگرا به تحلیل و توصیف زبان در سطح جمله یا توصیف و تبیین صورت‌گرایانه دقیق برای ساخت‌های زبانی می‌پردازد؛ ۲- رویکرد کارکرد یا نقش‌گرا به تحلیل و توصیف زبان با رویکرد دستور زبان با تأکید بر تولید متن به عنوان ابزار ارتباطی می‌پردازد؛ ۳- رویکرد شناختی به تحلیل و توصیف نقش زبان در تعاملات بین‌فردی، بین‌فرهنگی و شناخت می‌پردازد و ۴- رویکرد انتقادی به تحلیل و توصیف نقش عواملی چون زمینه تاریخی و انواع نهادهای دارای قدرت در القاء معانی می‌پردازد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳۸). مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها، تحلیل گفتمان انتقادی است.

تحلیل انتقادی گفتمان چیست؟ تحلیل انتقادی گفتمان یک رویکرد بین‌رشته‌ای است که اهداف اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دارد و با تلفیق عناصری از زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، نظریه انتقادی و مطالعات رسانه‌ای، به بررسی رابطه بین زبان و قدرت می‌پردازد (Fairclough, ۱۹۹۵: ۴). هدف اصلی این رویکرد، آشکارسازی روابط قدرت نابرابر و عملکرد ایدئولوژی در متون و گفتارهاست.

(Wodak & Meyer, ۲۰۰۹: ۴۴). فرکلاف (Fairclough, ۱۹۹۲a) یکی از بنیانگذاران این رویکرد است که تأکید خاصی بر روابط دوسویه بین گفتمان و جامعه دارد. او گفتمان را نه تنها بازتابی از واقعیت، بلکه عاملی فعال در تغییر و بازتولید واقعیت می‌داند. از مهمترین اهداف تحلیل گفتمان می‌توان به این موارد اشاره داشت: ۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده؛ ۲- شناسایی ساختار عمیق و پیچیده تولید متن به معنای «جریان تولید گفتمان»؛ ۳- شناسایی شرایط یا اثر بافت یا زمینه در متن یا گفتمان؛ ۴- شناسایی شرایط تغییرپذیری انواع معناها و ۵- چگونگی اثر زبان بر باورها و تعاملات یا برعکس (بهرام‌پور، ۱۳۷۸).

در رویکرد فرکلاف، گفتمان به معنای یک فعالیت اجتماعی است که در آن زبان به عنوان یک وسیله برای تولید، بازنمایی و تغییر دنیای اجتماعی عمل می‌کند. بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی فقط به مطالعه متن نمی‌پردازد، بلکه به بررسی نحوه تعامل متن با بافت اجتماعی و توسط فرآیندهای قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد. (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۸۵). این مفهوم در علوم سیاسی بسیار کاربردی است، زیرا گفتمان‌های سیاسی، برنامه‌های دولتی، تصمیمات سیاستگذاران و حتی گفتارهای عمومی، می‌توانند به عنوان حلقه‌هایی از انتقال ایدئولوژی و قدرت تحلیل شوند.

گفتمان همانگونه که از منظر اجتماعی مقید و مشروط می‌شود، خود نیز سازنده و تشکیل دهنده جامعه است. گفتمان سازنده موقعیت‌ها، موضوعات دانش، هویت‌های اجتماعی، و روابط میان مردم یا گروه خاصی از مردم است. به بیان دیگر گفتمان در دو معنا سازنده است. در یک معنا به نگهداری و بازتولید وضع موجود اجتماعی کمک می‌کند و در معنای دیگر در تغییرات آن مشارکت می‌کند. نظر به اینکه گفتمان از نظر اجتماعی مهم و اثر بخش است، به موضوعی مهم در قدرت ارتقاء می‌یابد. رویه‌های گفتمانی شاید تأثیرات ایدئولوژیک عمده‌ای نیز داشته باشند، یعنی آنها می‌توانند، از طریق راه‌هایی که «چیزها» را بازنمایی کرده و موقعیت مردم را مشخص می‌سازند، روابط عادلانه‌ای را میان طبقات اجتماعی، زنان، مردان، اقلیت‌ها و اکثریت‌های قومی و فرهنگی تولید و بازتولید کند (فرکلاف و ووداک، ۱۹۹۷؛ در ایلغمی، ۱۳۹۸).

تحقیقات اجتماعی انتقادی به دنبال مورد خطاب قرار دادن «معضلات» اجتماعی (در مفهوم وسیع آن ناعادالتی، نابرابری و فقدان آزادی) در عصر حاضر است. در این راستا نیز باید منابع و علل معضلات، مقاومت در برابرشان و گزینه‌های ممکن برای برتری بر آنها را تحلیل نمود. نظریه انتقادی از یک سو در پی تبیین رابطه‌ی دیالکتیکی میان نشانگی و دیگر مولفه‌های اجتماعی است تا چگونگی به تصویر کشیده شدن نشانگی را در تأسیس، بازتولید و تغییرات روابط نامتعادل قدرت (سلطه، به حاشیه‌راندن و حذف گروه‌های اجتماعی توسط رقبا) و تأثیرش بر سعادت مردم تشریح کند. این روابط به این دلیل نیاز به واکاوی دارند که منطق و پویایی هیچ جامعه‌ای در ابعاد نشانه‌ای و غیره- کاملاً شفاف نیست؛ یعنی اشکالی که این روابط از طریق آنها به سمع و نظر مردم می‌رسند، ناقص و یا گاهی همراه کننده هستند (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۹۱). در سوی مقابل، متن انتقادی با تمرکز بر این روابط دیالکتیکی به سمت تحلیل و تبیین راه‌هایی حرکت می‌کند که منطق و تحولات گروه مسلط را آزموده و آنها را توسط مردم از میان بر می‌دارد. این نظریات همچنین در پی شناسایی احتمالاتی هستند تا آن را به منظور عبور از موانع موجود و ارتقاء سطح خوشبختی جامعه به مردم پیشنهاد کنند (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۹۱).

تحلیل انتقادی گفتمان می‌کوشد تا روابط قدرتی که غالباً پنهان یا مبهم نمایش داده می‌شوند را آشکار کند و همچنین در پی استخراج نتایج عملی است. به علاوه ویژگی مهم دیگر این است که همه گفتمان‌ها تاریخ‌مند بوده، بنابراین تنها با ارجاع به بافت‌شان قابل فهم هستند. از آنجا که بافت، صراحتاً اجزایی اجتماعی- روانی، سیاسی و ایدئولوژیک داشته و به موجب آن، شناختش مستلزم رویه‌هایی بینارشته‌ای است، پس مضمون بافت، مسأله‌ای حیاتی برای تحلیل انتقادی گفتمان به شمار می‌رود (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۹۳)

پیشینه:

در سال‌های اخیر، توجه به گفتمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک رهبری در جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، از سوی محققان داخلی و خارجی بسیار گسترش یافته است. مقالات متعددی وجود دارند که به بررسی گفتمان‌های مختلف آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، دفاعی، اجتماعی و اندیشه‌های انقلابی پرداخته‌اند. این مقالات نشان می‌دهند که محققان به‌خوبی به نقش گفتمان‌های رهبری در شکل‌دهی به سیاست‌ها، هویت‌ها و مقاومت‌های سیاسی و فرهنگی پرداخته‌اند. با این حال، بیشتر این مطالعات، یا بر کلیات گفتمان‌ها تمرکز داشته‌اند یا به بررسی گفتمان‌ها در شرایط غیربحرانی و بدون تمرکز بر رویدادهای نظامی و استراتژیک.

براساس جست‌وجو در پرتال جامع علوم انسانی ۲۰ مقاله که در عنوان آن از کلیدواژه «خامنه‌ای»+«گفتمان» استفاده شده باشد، احصاء و در هفت دسته گفتمانی تقسیم شدند.

شماره	دسته‌بندی	تعداد مقالات
۱	گفتمان‌های سیاسی و رهبری	۴
۲	گفتمان‌های دفاعی و نظامی	۴
۳	گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی	۴
۴	گفتمان‌های دینی و کلامی	۳
۵	گفتمان‌های مدیریتی و آموزشی	۲
۶	گفتمان‌های تمدنی و آینده‌نگر	۲
۷	گفتمان‌های انقلابی و اخلاقی	۱

همچنین شکاف‌های علمی و خلأهای دانشی در رابطه با موضوع مقاله ما یعنی "تحلیل گفتمان پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران" مشخص شدند:

شماره	حوزه شکاف/خلأ دانشی	توضیحات
۱	عدم توجه به گفتمان‌های رهبری در شرایط بحرانی و نظامی	اکثر مقالات موجود به گفتمان‌های عمومی و غیربحرانی رهبری پرداخته‌اند، اما گفتمان‌های رهبری در شرایط بحرانی و نظامی (مانند تجاوز صهیونیستی) مورد توجه قرار نگرفته است. مقالاتی چون اسدی (۱۳۹۳)، صولتی و کلاتر (۱۳۹۸)، نوری گلجائی و سپهر (۱۴۰۳) به گفتمان‌های

	مقاومت و دفاعی پرداخته‌اند، اما در شرایط بحرانی و با محتوای پیام‌های رهبری در موقعیت‌های نظامی، شکاف وجود دارد.	
۲	نادیده گرفتن نقش گفتمان در دیپلماسی عمومی و تضعیف روایت دشمن	مقاله ما به نقش گفتمان رهبری در دیپلماسی عمومی و تضعیف روایت رسانه‌های غربی و صهیونیستی می‌پردازد، در حالی که این مقوله در مقالات موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تنها مقالاتی چون انتظاری و مقصودی (۱۳۹۹) به گفتمان رسانه‌ای و مطبوعاتی پرداخته‌اند، اما ارتباط مستقیم با دیپلماسی عمومی و تضعیف روایت دشمن در شرایط بحرانی وجود ندارد.
۳	عدم استفاده از چارچوب تحلیل گفتمانی قوی (فرکلاف)	مقاله ما از رویکرد قدیم و جدید فرکلاف به عنوان چارچوب تحلیلی استفاده می‌کند، در حالی که مقالات موجود یا از چارچوب‌های کلی استفاده می‌کنند یا بدون چارچوب نظری دقیق، گفتمان‌ها را تحلیل کرده‌اند. مقالاتی چون اسدی (۱۳۹۳)، مهاجرنیا (۱۳۹۹) و رحیمیان و همکاران (بدون سال) از رویکردهای تحلیل گفتمانی استفاده کرده‌اند، اما چارچوب فرکلاف به طور خاص در هیچ یک از مقالات به کار نرفته است.
۴	نادیده گرفتن نقش گفتمان در انسجام اجتماعی در شرایط بحرانی	مقاله ما به نقش گفتمان رهبری در ایجاد انسجام ملی و وحدت در زمان تجاوز نظامی می‌پردازد، در حالی که مقالات موجود بیشتر به هویت فرهنگی یا اجتماعی در شرایط عادی پرداخته‌اند. مقالاتی چون صولتی و کلاتر (۱۳۹۸)، حسام‌پور (۱۴۰۲) و امین و داودی (۱۴۰۲) به هویت فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند، اما انسجام اجتماعی در شرایط بحرانی و نظامی مورد توجه قرار نگرفته است.
۵	عدم توجه به ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیک مقاومت	مقاله ما با تمرکز بر مقاومت فرهنگی و وحدت ملی، ابعاد نادیده گرفته شده‌ای از مقاومت را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقالاتی چون نوری گلجائی و سپهر (۱۴۰۳)، حسینی و همکاران (۱۴۰۲) به گفتمان مقاومت پرداخته‌اند، اما بیشتر به مقاومت سیاسی و نظامی تمرکز داشته‌اند و ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیک مقاومت کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
۶	نادیده گرفتن تحلیل محتوایی مستند از پیام‌های رهبری در شرایط بحرانی	این مقاله برای اولین بار، چهار پیام رهبری در زمان تجاوز نظامی را به صورت محتوایی و مستند تحلیل می‌کند، در حالی که مقالات موجود بیشتر به کلیات گفتمان‌ها پرداخته‌اند. مقالاتی چون بهروزی و کفیلی (۱۴۰۳)، موسوی (۱۴۰۰) و کدخدایی و همکاران (۱۴۰۳) به گفتمان‌های رهبری پرداخته‌اند، اما تحلیل محتوایی مستند از پیام‌های رهبری در شرایط بحرانی وجود ندارد.

با این اوصاف مقاله حاضر، از چند جهت نوآوری دارد و شکاف‌های علمی موجود در حوزه گفتمان‌های رهبری را پر می‌کند:

- شکاف تحلیل گفتمانی در شرایط بحرانی
- شکاف در استفاده از چارچوب نظری قوی (فرکلاف)
- شکاف در تحلیل دیپلماسی عمومی و تضعیف روایت دشمن
- شکاف در بررسی نقش گفتمان در انسجام اجتماعی
- شکاف در تحلیل ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیک مقاومت
- شکاف در تحلیل محتوایی مستند از پیام‌های رهبری در شرایط نظامی

این مقاله اولین تلاش جامع و منسجم برای تحلیل گفتمان‌های رهبری در زمان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران با استفاده از چارچوب تحلیل گفتمانی فرکلاف است و بنابراین، خلأهای دانشی موجود در حوزه گفتمان‌های سیاسی و دفاعی در شرایط بحرانی را به‌خوبی جبران می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

فلسفه پژوهش: ساختارگرایی اجتماعی است. این فلسفه بر این ایده استوار است که واقعیت‌ها، اجتماعی هستند و از طریق زبان و گفتمان‌ها ساخته می‌شوند. در این دیدگاه، گفتمان نه تنها بازتابی از واقعیت است، بلکه عاملی فعال در ساختاردهی و تغییر واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و دفاعی محسوب می‌شود. این فلسفه با توجه به استفاده از نظریه انتقادی گفتمان و چارچوب نورمن فرکلاف، مبنای اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. رویکرد پژوهش: استقرایی است. زیرا از تحلیل محتوایی و گفتمانی متون (چهار پیام رهبری) آغاز شده و سپس به کلیت‌های کیفی و مفهومی درباره نقش گفتمان رهبری در دفاع ملی، انسجام اجتماعی و دیپلماسی عمومی دست یافته است. در این روش، تحلیل از پایین به بالا انجام می‌شود و نتایج بر اساس تفسیر محتوا استخراج می‌شوند. استراتژی پژوهش: تحلیل گفتمان انتقادی است. این مقاله بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از رویکرد قدیم و جدید نورمن فرکلاف شکل گرفته است. این استراتژی به منظور شناسایی روابط قدرت، ایدئولوژی و تأثیر گفتمان رهبری در شکل‌دهی به هویت ملی، مقاومت فرهنگی و انسجام اجتماعی به کار رفته است. این استراتژی از نوع کیفی و تفسیری است. داده‌های این پژوهش از نوع کیفی هستند. داده‌های مورد استفاده، چهار پیام آیت‌الله خامنه‌ای در زمان تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران است که از لحاظ محتوایی و گفتمانی تحلیل شده‌اند. بازه زمانی: مقطعی است. این پژوهش براساس چهار پیام منتشر شده در زمان جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران انجام شده است. بنابراین، به‌عنوان یک مطالعه مقطعی، داده‌ها در یک دوره محدود و مشخص جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. روش گردآوری داده: اسنادی است. داده‌های این مقاله از نوع مستند هستند و شامل چهار پیام رهبری در زمان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران است. این متون از منابع رسمی منتشر شده (وبسایت رسمی رهبری) جمع‌آوری شده‌اند.

جامعه پژوهش: کلیه متون منتشر شده از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در زمان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران و نمونه پژوهش : چهار پیام رهبری که در طول جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران منتشر شده است. نحوه نمونه‌گیری: هدفمند؛ چهار پیام انتخابی، به‌دلیل اهمیت محتوایی و زمانی آن‌ها در شرایط بحرانی، به‌عنوان نمونه‌های نماینده انتخاب شده‌اند.

الف. نسخه قدیم روش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف

فرکلاف (۱۹۹۲b) یک روش تحلیلی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌کند:

مرحله ۱: تحلیل متن

- استخراج متون (سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات)
- تحلیل زبانی از نظر دستور زبان، واژگان، ساختارهای منطقی

مرحله ۲: تحلیل فرآیندهای گفتمانی

- بررسی زمینه اجتماعی و سیاسی
- شناسایی بازیگران کلیدی و روابط قدرت
- نحوه تولید و دریافت متن

مرحله ۳: تحلیل اجتماعی-اجتماعی‌شدنی

- ارزیابی نقش گفتمان در بازتولید یا تغییر نظام قدرت
- شناسایی ایدئولوژی‌های حاکم
- ارتباط گفتمان با تحولات سیاسی و اجتماعی

(Fairclough, ۱۹۹۲b: ۱۱۲).

ب. نسخه جدید روش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف (رویکرد رابطه‌ای-دیالکتیکی)

برای استعمال نسخه ارتباطی-دیالکتیکی تحلیل انتقادی گفتمان در این قسمت مراحل و گام‌های این روش‌شناسی را معرفی می‌کنیم (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۹۱).

مرحله اول: تمرکز بر یک معضل اجتماعی در ابعاد معنایی آن

تحلیل انتقادی گفتمان نیز به عنوان شکلی از علوم اجتماعی انتقادی به دنبال فهم بهتر ماهیت و منابع معضلات اجتماعی، موانع مواجهه با آنها و راه‌های ممکن برای عبور از این موانع است. معضلات اجتماعی به عنوان جنبه‌هایی از نظام‌ها، ترتیبات و اشکال اجتماعی، مفهومی وسیع دارند. این ظلم‌ها اگرچه شاید تنها از طریق تغییرات کلان در این اشکال، ترتیبات و نظام‌ها نتایج دردناکی بر حیات و خوشبختی مردم داشته باشند، اما در عمل قابل اصلاح هستند. فقر، اشکال نابرابری، نژادپرستی و فقدان آزادی نمونه‌هایی از این مسائل به شمار می‌روند. البته چیزی که یک معضل اجتماعی را ایجاد می‌کند همواره موضوعی مجادله برانگیز است و تحلیل انتقادی گفتمان نیز به ناچار در این مباحث تا ابد پایدار داخل شده است. مرحله نخست بر اساس دو گام توضیح داده می‌شود:

گام نخست: انتخاب عنوانی مرتبط با یک مسأله یا معضل اجتماعی که بتوان با تمرکز بر ارتباط دیالکتیکی میان مولفه‌های نشانه‌ای و غیرنشانه‌ای با آن مواجهه شد. برای تبدیل عناوین به اهداف پژوهش، باید آنها را تئوریزه کنیم. گام دوم: بر ساختن اهداف پژوهش توسط تئوریزه کردن عناوین در مسیری فرارشته‌ای (Fairclough, ۲۰۰۹: ۱۹۳).

مرحله دوم: شناسایی موانع در مواجهه با آن معضل اجتماعی

مرحله دوم از راهی غیرمستقیم به معضل اجتماعی مورد نظر نزدیک می‌شود. این امر با پرسش این سوال تحقق می‌یابد که زندگی اجتماعی به چه شکلی ساختار می‌یابد که این ساختارها از توجه به مسائل و مشکلات آن ممانعت به عمل می‌آورد؟ (Fairclough, ۲۰۰۹:۱۹۵). این مسأله مستلزم ورود نظم اجتماعی در تحلیل‌های ماست. در همین راستا سه گام به صورت زیر به نمایش در می‌آیند: در گام نخست: تحلیل روابط دیالکتیکی میان نشانگی و دیگر مولفه‌های اجتماعی؛ روابط میان ترتیبات گفتمانی و دیگر مولفه‌های کنش اجتماعی، یا روابط میان متون و دیگر رویدادها (این گام همان ارتباط میان ساختارها و رویدادها است). در گام دوم: متون، نقاط کانونی و مقولات مناسبی را با عنایت به نحوه بر ساختن اهداف پژوهش، برای تحلیل روابط فوق برگزیند و گام سوم: تحلیل متون، اعم از تحلیل بیناگفتمانی و تحلیل‌های زبان شناختی / نشانه شناختی را انجام دهید (تحلیل متون به این معنا می‌باشد که می‌بایست استدلال‌ها و مفروضات اثبات شده، تلویحی و ضمنی و نتیجه‌ای که متن به آن رسیده را باید بیان کرد) (Fairclough, ۲۰۰۹:۱۹۷).

مرحله سوم: بررسی نظم اجتماعی محتاج به معضل اجتماعی مذکور

مرحله سوم راهنمای ما در بررسی این نکته است که چگونه یک معضل اجتماعی، بخشی ذاتی از یک نظم اجتماعی بوده و چگونه می‌توان یک نظم اجتماعی را در درون و با تغییر دادن آن تصحیح نمود. این موضوع یکی از آن راه‌هایی است که «هست» با «باید» تبدیل می‌شود؛ یعنی اگر بتوان یک نظم اجتماعی را به صورت عامل ذاتی و اصلی در بروز یک مسأله اجتماعی به تصویر کشید، آنگاه این مسأله می‌تواند دلیلی برای تغییر آن نظم حاکم باشد. این موضوع همچنین با مسأله ایدئولوژی نیز ارتباط دارد. یعنی یک گفتمان تا آنجا ایدئولوژیک است که به تداوم و پایداری یک سلسله روابط خاص قدرت و سلطه آنها یاری می‌رساند (Fairclough, ۲۰۰۹:۱۹۸).

مرحله چهارم: شناسایی راه‌های ممکن برای عبور از موانع

مرحله چهارم، تحلیل‌ها را از نقد منفی (سلبی) به سوی نقد اثباتی (ایجابی) حرکت می‌دهد. به این معنا که مرحله چهارم با تمرکز بر روابط دیالکتیکی میان نشانگی و دیگر مولفه‌ها، امکانات موجود در فرایندهای اجتماعی را برای غلبه بر موانع مذکور شناسایی می‌کند. البته این مسیر انتقادی یا در چارچوب گروه‌های سیاسی و اجتماعی سازمان‌یافته است، یا در حیات روزمره و معمول مردم قرار می‌گیرد (Fairclough, ۲۰۰۹:۱۹۹). این مرحله گفتمان مسلط به چالش و رقابت کشیده می‌شود و محقق و کنشگران از در مخالفت و انتقاد به موضوع وارد خواهند شد.

بخش اول: تحلیل چهار پیام آیت‌الله‌خامنه‌ای بر اساس روش قدیم فرکلاف

مرحله اول: تحلیل متن

الف) مضامین کلیدی در پیام‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای:

مضامین کلیدی	شرح و بررسی
مقاومت و هویت ملی	تأکید مداوم بر مقاومت در برابر دشمنان، به ویژه رژیم صهیونیستی و آمریکا، و حفظ استقلال و تمامیت ارضی.
احساس واحد ملی	تأکید بر همبستگی مردم و نظام در مقابل تهدیدات خارجی و اشاره به انسجام داخلی.
دین و معنویت	استناد به قرآن، عبارات دینی و توکل بر خداوند در تصمیمات سیاسی و نظامی.
تضعیف دشمن	توصیف رژیم صهیونیستی و آمریکا به عنوان دشمنانی خبیث، ضعیف و غیرقابل اعتماد.

■ تحلیل گفتمان پیام‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی ... / امین صادقی بکیانی

پیروزی جمهوری اسلامی	پیروزی در مقابل دشمنان و ابراز اطمینان نسبت به حمایت الهی.
خوداعتمادی و توان داخلی	تأکید بر توانایی‌های نظامی، علمی و فرهنگی داخلی و عدم نیاز به دخالت خارجی.

ب) سبک زبان:

ویژگی زبانی	مشاهده
استفاده از واژگان دینی و عاطفی	استفاده از عبارات قرآنی، منقولات دینی و احساسات عمیق مانند "شهید"، "نوکل"، "جهاد".
زبان دوگانه (متضادسازی)	تمایز واضح بین ما (ایران، ملت، نظام) و آنها (صهیونیسم، آمریکا).
تکرار مضامین	تکرار مداوم عناوینی مانند "مقاومت"، "پیروزی"، "دشمن"، "نوکل" برای تقویت پیام.
زبان قدرتمند و اقتدارگرا	استفاده از جملات قاطع، اعلامیه‌وار و غیرقابل انعطاف
غیررسمیت نسبی	گاهی استفاده از زبان عامه‌پسند و قابل فهم برای مردم عادی، به خصوص در خطابه‌های عمومی.
استعاره	«ضربه‌های سنگین»، «سرنوشت تلخ»

مرحله دوم: عمل گفتاری

الف) نحوه تولید متن:

بعد	توضیح
نوع متن	سخنان عمومی، پیام‌های رسمی و مذهبی-سیاسی.
زبان‌آمیزی	تلفیق زبان دینی و سیاسی، استفاده از روش‌های بلاغی و استدلالی
هدف اصلی	تقویت انسجام داخلی، مقابله با تبلیغات دشمن، افزایش اعتبار داخلی و بین‌المللی.
کاربرد ساختارهای گفتمانی	استفاده از استعاره، متضادسازی (ما/آنها)، تعمیم، استنتاج و تشریح.

ب) نحوه دریافت متن:

بعد	توضیح
مخاطب اصلی	ملت ایران، خصوصاً طبقات متوسط و پایین شهری و روستایی با هویت ملی-دینی.
واکنش انتظاری	حمایت از مقاومت، تقویت اعتماد به نفس ملی، افزایش تعهد به نظام.
تفاوت درک در سطوح مختلف	عموم مردم آن را انعکاس واقعیت می‌دانند.

ج) روابط قدرت در گفتمان:

بعد	توضیح
سلوک قدرتی	استفاده از زبان قاطع و مسلط برای تثبیت قدرت و مشروعیت نظام.
تصویرسازی از دشمن	تضعیف دشمن در ذهنیت عمومی برای توجیه واکنش‌های سختگیرانه.
تأکید بر وحدت داخلی	محدود کردن فضای مخالفت با ایجاد حس مشترک دفاع از میهن و دین.
عدم فضای چندگانگی گفتمانی	نبود فضای عمومی برای بحث و گفتگو با مخالفان؛ متن تنها یک دیدگاه را منعکس می‌کند.

مرحله سوم: بافت اجتماعی-سیاسی

الف) بافت سیاسی:

عنصر	توضیح
موقعیت بین‌المللی ایران	تحریم‌ها، تنش با آمریکا و رژیم صهیونیستی، موقعیت منطقه‌ای حساس.
رویدادهای مرتبط	حمله موشکی اخیر، شهادت فرماندهان نظامی، مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا.
نقش رهبری	رهبری به عنوان ستون اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و داخلی.

روابط ایران با آمریکا و صهیونیسم در حال تشدید تنش و درگیری است؛ پیام‌ها به عنوان ابزاری برای تثبیت قدرت داخلی و تحرک عمومی مطرح می‌شوند.

ب) بافت ایدئولوژیک:

عنصر	توضیح
ایده‌آل‌های اسلامی-مقاومتی	تأکید بر اسلام انقلابی، مقاومت، عدالت و ضد استعماری بودن
مقابله با غرب‌گرایی	رد سیاست‌های وابسته به غرب و تأکید بر خودکفایی و هویت اسلامی
تلقی از قدرت	قدرت به عنوان حق مسلم ملت و نظام، نه نتیجه گفتگو با غرب.

اسلام انقلابی به عنوان بنیان ایدئولوژیک گفتمان مقاومتی عمل می‌کند.

ج) بافت فرهنگی:

عنصر	توضیح
هویت ملی-دینی	اسلام و ملی‌گرایی به عنوان بنیان فرهنگی ایرانی.
ارزش‌های عمومی	ایثار، شهادت، مقاومت، انسجام و حمایت از نظام.
زبان و تمدن	استفاده از زبان فارسی و عبارات قدیمی-قرآنی به عنوان بخشی از هویت فرهنگی.

زبان دینی و ملی در بافت فرهنگی ایران رسوخ دارد و موجب انسجام عمومی می‌شود.

جدول تحلیلی گفتمانی (بر اساس چارچوب فرکلاف)

سطح تحلیل	عناصر	توضیح
سطح متن	مضامین،	مقاومت، دین، دشمن
	سبک زبان	تکرار، زبان قاطع
عمل گفتاری	تولید،	متن سیاسی-دینی،
	دریافت	مخاطب ملی
	قدرت	ساختار قدرتی متمرکز
بافت اجتماعی	سیاس	تنش با آمریکا و صهیونیسم
	ایدئولوژیک	اسلام انقلابی
	فرهنگی	فرهنگ مقاومت

بخش دوم: تحلیل چهار پیام آیت‌الله‌خامنه‌ای براساس روش جدید فرکلاف

مرحله اول: تمرکز بر یک معضل اجتماعی در ابعاد معنایی آن

گام اول: انتخاب عنوان و تئوریزه کردن معضل اجتماعی

موضوع/عنوان: "مقاومت در برابر سلطه و استعمار خارجی به عنوان یک معضل اجتماعی در هویت‌سازی ملی-دینی"

معضل اجتماعی: "تبعیت، وابستگی و شکنندگی هویت ملی در مقابل سلطه فرهنگی و نظامی قدرت‌های خارجی".

تئوریزه کردن: در جوامع مقاومتی مانند ایران، معضل اجتماعی اصلی عدم استقلال واقعی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که تحت عنوان "تبعیت"، "استعمار نرم" و "وابستگی" ظاهر می‌شود. این موضوع با توجه به روابط دیالکتیکی میان عناصر گفتمانی (مثلاً زبان مقاومت) و عناصر غیرنشانه‌ای (مثل ساختارهای قدرت بین‌المللی) قابل تحلیل است.

مرحله دوم: شناسایی موانع در مواجهه با آن معضل اجتماعی

گام اول: تحلیل روابط دیالکتیکی میان نشانگی و غیرنشانه‌گی

مولفه نشانه ای	مولفه غیرنشانه ای	رابطه دیالکتیکی
الفاظ دینی و مقاومتی ("توکل"، "جهاد"، "مقاومت")	ساختارهای قدرت داخلی و خارجی (نظام سیاسی، ارتش، قدرت‌های خارجی)	زبان مقاومت اسلامی، منافع و تصمیمات سیاسی داخلی و خارجی را هدایت می‌کند.
تمایز ما/آنها	سیاست‌های نظامی و دفاعی	ساختار دوگانه موجب تقویت هویت داخلی و تضعیف دشمن می‌شود.
استعاره‌های بلاغی ("جنایت"، "ماجرای بزرگ‌نمایی")	تحولات بین‌المللی و رسانه‌ها	زبان استعاری در متون گفتمانی، نفوذ رسانه‌های غربی را خنثی می‌کند.

گام دوم: انتخاب متون و مقولات مناسب

عنصر	توضیح
متون مورد تحلیل	چهار پیام رهبری با مضامین ضد صهیونیسم و ضد آمریکا
مقوله‌های تحلیلی	مقاومت، دشمن، هویت ملی، استقلال، تهدید، پیروزی، توکل
هدف از انتخاب	تحلیل نحوه تولید معنای مقاومت در قالب زبان سیاسی-دینی

گام سوم: تحلیل متون (بیناگفتمانی و نشانه‌شناسی)

الف) بیناگفتمانی

گفتمان	توضیح
گفتمان دینی	استفاده از آیات قرآنی و مفاهیم دینی برای مشروعیت‌بخشی به عملکرد سیاسی.
گفتمان مقاومتی	تقویت روحیه مردم و نظام در مقابل تهدیدات خارجی.
گفتمان ملی	انسجام ملی و هویت مشترک در مقابل دشمن مشترک.

ب) نشانه‌شناسی

عنصر	مثال	نقش
متضادسازی	ما/آنها، مقاومت/تبعیت	تشکیل دوگانگی معنایی برای تقویت هویت
استعاره	«ضربه سنگین»، «سرنوشت تلخ»	تشدید احساس تهدید و اقدام
تکرار	«مقاومت»، «تسلیم»، «پیروزی»	تثبیت مضامین و القای اطمینان
زبان عاطفی	«شهیدان گرانقدر»، «خون‌آلود»	ایجاد تعاطف و انگیزه احساسی

مرحله سوم: بررسی نظم اجتماعی محتاج به معضل اجتماعی مذکور

رابطه معضل اجتماعی با نظم اجتماعی:

توضیح	بعد
ساختارهای قدرت سیاسی داخلی (رهبری، نیروهای مسلح) و بین‌المللی (آمریکا، صهیونیسم)	ساختارهای قدرت
اسلام انقلابی، مقاومت، خوداعتمادی	ایده‌آل‌ها
اسلام انقلابی به عنوان ایدئولوژی مقابله با سلطه خارجی	ایدئولوژی غالب
گفتمان مقاومتی به عنوان ابزاری برای تداوم نظام سیاسی و مقابله با نفوذ خارجی	نقش گفتمان

چگونگی ذاتی بودن معضل در نظم اجتماعی:

- وابستگی ایران به الگوهای سیاسی و اقتصادی غربی در گذشته، معضل تبعیت را به یک مسئله ساختاری تبدیل کرده است.
- مقاومت تنها واکنش فردی نیست، بلکه یک ساختار فرهنگی-سیاسی است که در قالب گفتمان‌های رهبری تقویت می‌شود.

مرحله چهارم: شناسایی راه‌های ممکن برای عبور از موانع

راهکارهای اثباتی برای مقابله با معضل اجتماعی

توضیح	راه کار
تمرکز بر خودکفایی علمی، نظامی و اقتصادی	تقویت گفتمان خوداعتمادی
ترویج زبان مقاومت در مدارس و رسانه‌ها	آموزش گفتمانی
تحرك عمومی مردم در پیام‌ها، راهپیمایی‌ها، شبکه‌های اجتماعی	فعالیت‌های مدنی-سیاسی
استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک در محیط چندقطبی	تغییر در بافت بین‌المللی

چالش با گفتمان مسلط

- گفتمان مقاومتی به عنوان گفتمان جایگزین، گفتمان وابسته به غرب را به چالش می‌کشد.
- این گفتمان از طریق تولید مضامین دینی، ملی و نظامی، رقابت با سلطه فرهنگی را تسهیل می‌کند.

جدول خلاصه تحلیلی گفتمانی (بر اساس چارچوب فرکلاف)

توضیح	عنصر	مرحله
تبعیت و وابستگی در مقابل استقلال و مقاومت	معضل اجتماعی	مرحله ۱
زبان → ساختار، گفتمان → سیاست	روابط دیالکتیکی	مرحله ۲
نظام سیاسی، ایدئولوژی اسلام انقلابی	نظم اجتماعی	مرحله ۳
خوداعتمادی، تقویت گفتمان، حرکت اجتماعی	راهکارهای اصلاحی	مرحله ۴

یافته‌ها:

تحلیل انتقادی گفتمان پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای با رویکرد قدیم نورمن فرکلاف نشان می‌دهد که این گفتمان‌ها: در سطح متنی دارای مضامینی هستند که به مقاومت، هویت ملی-دینی، دشمن‌سازی و پیروزی نظام تأکید می‌کنند. در سطح عمل گفتاری نشان‌دهنده‌ی یک فرآیند تولید متن با هدف تقویت انسجام داخلی، تضعیف دشمن و تثبیت قدرت هستند. در سطح بافت اجتماعی تحت تأثیر تنش‌های سیاسی، ایدئولوژی اسلام انقلابی و فرهنگ مقاومت ایران شکل گرفته‌اند. این گفتمان‌ها با استفاده از زبان دینی، استعاره‌های

بلاغی و متضادسازی دوگانه (ما/آنها)، ضمن تقویت هویت داخلی، اقدام به ساختن یک دشمن ضعیف و خبیث می‌کند. این نوع گفتمان در بافت فرهنگی و سیاسی ایران به خوبی می‌تواند پذیرش عمومی یابد و به عنوان یک ابزار راهبردی در مدیریت بحران‌های سیاسی عمل کند. بنابراین، درک دقیق از بافت‌های گفتمانی و استفاده از چارچوب‌های تحلیلی مانند رویکرد فرکلاف می‌تواند به تفسیر دقیق‌تر این نوع گفتمان‌های سیاسی کمک کند.

تحلیل انتقادی گفتمانی براساس رویکرد جدید نورمن فرکلاف (دیالکتیک-روابطی)، به بررسی پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا پرداخته‌ایم. معضل اجتماعی شناسایی شده، وابستگی و تبعیت ایران در مقابل سلطه فرهنگی و نظامی قدرت‌های خارجی است. این معضل در ساختارهای قدرت داخلی و بین‌المللی ریشه دارد و گفتمان مقاومتی به عنوان یک ابزار فرهنگی-سیاسی برای مبارزه با آن به کار گرفته می‌شود. در مرحله دوم، روابط دیالکتیکی میان مضامین گفتمانی (مانند "مقاومت"، "دشمن"، "توکل") و ساختارهای قدرت (نظام، ارتش، سیاست خارجی) تحلیل شد. گفتمان دینی-مقاومتی با تقویت هویت ملی و تضعیف دشمن، نقش کلیدی در مدیریت بحران‌ها ایفا می‌کند. در مرحله سوم، نظم اجتماعی حاکم شامل نظام سیاسی اسلامی و ایدئولوژی مقاومت شناسایی شد. این نظم، گفتمان مقاومتی را به عنوان ابزاری برای مقابله با سلطه خارجی تقویت می‌کند. در مرحله چهارم، راهکارهایی مانند خوداعتمادی، آموزش گفتمانی و تقویت حرکات مدنی برای غلبه بر موانع پیشنهاد شد. گفتمان مقاومتی نه تنها واکنش به تهدید است، بلکه بخشی از یک استراتژی ساختاری برای حفظ استقلال و هویت ملی است.

با این اوصاف می‌توان گفت:

- ۱- گفتمان مقاومتی در پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت ملی و دینی دارد.
- ۲- زبان دینی و مقاومتی به عنوان ابزاری موثر در تقویت انسجام داخلی و مقاومت فرهنگی در مقابل تهدیدات خارجی عمل کرده است.
- ۳- متضادسازی (ما / آنها)، استعاره‌ها و تکرار مضامین از ابزارهای اصلی در تقویت گفتمان مقاومتی بوده‌اند.
- ۴- گفتمان مقاومتی به عنوان گفتمان جایگزین، گفتمان وابسته به غرب را به چالش کشیده و از طریق تولید مضامین دینی، ملی و نظامی، رقابت با سلطه فرهنگی را تسهیل می‌کند.
- ۵- رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان‌های رهبری به‌خوبی توانسته است رابطه بین زبان، قدرت و بافت اجتماعی را در شکل‌گیری گفتمان مقاومتی آشکار کند.

با این وصف، پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی، گفتمانی ترکیبی از مضمون‌های دینی، ملی و نظامی را شکل داده‌اند که هدف اصلی آن، تقویت انسجام داخلی، مقابله با تبلیغات دشمن و افزایش اعتماد عمومی است. این گفتمان از طریق زبان قدرتمند، متضادسازی، استعاره و تکرار، نه تنها به عنوان ابزاری دفاعی عمل کرده، بلکه به تولید معنای مقاومت در میان مردم و نهادهای نظامی و سیاسی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان رهبری در شرایط بحرانی نظامی، نقشی استراتژیک در حفظ هویت ملی، انسجام اجتماعی و مقابله با تهدیدات خارجی دارد و می‌تواند چارچوبی مفید برای سیاستگذاری‌های دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی باشد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش، گفتمان پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران با استفاده از رویکرد قدیم و جدید نورمن فرکلاف تحلیل شده است. یافته‌های حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که گفتمان رهبری در شرایط بحران نظامی، نقش استراتژیکی در شکل‌دهی به هویت ملی-دینی، مقاومت فرهنگی و انسجام اجتماعی دارد. این گفتمان از طریق استفاده از زبان دینی، متضادسازی (ما/آنها)، استعاره‌های بلاغی و تکرار مضامین مقاومتی، نه تنها به عنوان یک ابزار دفاعی عمل کرده، بلکه به تولید معنای مقاومت در میان مردم و نهادهای نظامی و سیاسی پرداخته است.

در مقایسه با مطالعات پیشین، این پژوهش از دو جهت با آنها همپوشانی دارد و از دو جهت نیز متفاوت است: همپوشانی:

- مانند مطالعات پیشین، این مقاله نیز گفتمان مقاومتی را در کلام آیت‌الله خامنه‌ای شناسایی کرده است.
- همچنین، تأکید بر هویت ملی و مبارزه با وابستگی به غرب، در این مقاله و مطالعات قبلی وجود دارد.

تفاوت:

- برخلاف مطالعات قبلی که بیشتر به گفتمان‌های غیربحرانی پرداخته‌اند، این مقاله اولین تلاش جامع برای تحلیل گفتمان رهبری در شرایط بحران نظامی است.
- این مقاله از چارچوب نظری قوی و سیستماتیک رویکرد قدیم و جدید فرکلاف استفاده کرده است، در حالی که مطالعات قبلی از چارچوب‌های کلی یا بدون چارچوب نظری دقیق استفاده کرده‌اند.

دلیل اصلی این تفاوت، نوآوری در رویکرد تحلیلی و همچنین تمرکز بر شرایط بحرانی نظامی است که در مطالعات قبلی به‌خوبی مورد توجه قرار نگرفته بود.

این مقاله نشان داد که گفتمان مقاومتی در کلام آیت‌الله خامنه‌ای، در شرایط بحران نظامی نه تنها به عنوان یک ابزار دفاعی عمل می‌کند، بلکه به عنوان یک گفتمان جایگزین، گفتمان وابسته به غرب را به چالش می‌کشد. این گفتمان از طریق تولید مضامین دینی، ملی و نظامی، رقابت با سلطه فرهنگی را تسهیل می‌کند و انسجام اجتماعی را در میان مردم تقویت می‌کند. همچنین، استفاده از رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان‌های رهبری، این امکان را فراهم کرده است که رابطه بین زبان، قدرت و بافت اجتماعی در شکل‌گیری گفتمان مقاومتی به‌خوبی آشکار شود. این تحلیل نشان داد که گفتمان رهبری در شرایط بحرانی، نقشی کلیدی در تقویت هویت ملی، انسجام اجتماعی و مقابله با تهدیدات خارجی دارد.

پیشنهادهای:

جدول پیشنهادات

نوع پیشنهاد	عنوان	هدف
نظری	گسترش استفاده از چارچوب فرکلاف	تحلیل عمیق‌تر گفتمان‌های رهبری در شرایط بحرانی
نظری	تحلیل گفتمان‌های رهبری در شرایط بحرانی دیگر	گسترش دامنه تحلیل گفتمانی

کاربرد	استفاده از گفتمان مقاومتی در دیپلماسی عمومی	تضعیف روایت دشمن و تقویت موقعیت ایران در عرصه بین‌المللی
کاربرد	توسعه برنامه‌های آموزشی بر اساس گفتمان مقاومتی	تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی
کاربرد	استفاده از گفتمان مقاومتی در دیپلماسی فرهنگی	افزایش نفوذ فرهنگی ایران در منطقه
کاربرد	تقویت گفتمان خوداعتمادی در میان جامعه	کاهش وابستگی فرهنگی و افزایش روحیه مقاومت

فهرست منابع

- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی در عمل: توصیف کتاب تحلیل انتقادی گفتمان (پیروز ایزدی، رامین کریمیان، شعبانعلی بهرام‌پور، محمدجواد غلامرضا کاشی، رضا ذوقدارمقدم، محمود نیستانی، فاطمه شایسته‌پیران، مترجمان:). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی، حمید (۱۴۰۰). مرجع پژوهش. ناشر اندیشه آراء.
- محسنی، محمدجواد (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش تحلیل انتقادی گفتمان. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳ (۳): ۶۳-۸۶.
- ووداک، راث و میر، مایکل (۱۳۹۸). روش‌های تحلیل انتقادی گفتمان (رحیم ایلغمی سراسکانرود، مترجم). تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- Fairclough, N. (۲۰۰۹). A dialectical-relational approach to critical discourse analysis in social research. In R. Wodak & M. Krzyżanowski (Eds.), *Critical Discourse Analysis* (pp. ۸۷-۱۰۶). Palgrave Macmillan
- Fairclough, N. (۱۹۹۲a). *Discourse and social change*. Polity Press
- Fairclough, N. (۱۹۹۲b). *Intertextuality in critical discourse analysis*. *Linguistics and Education*, ۵(۱), ۱۰۲
- Fairclough, N. (۱۹۹۹). *Discourse and Social Change*. Polity Press.
- Fairclough, N. (۲۰۰۰). *New Labour, New Language?* Routledge.
- Fairclough, N. (۲۰۰۳). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. Routledge.
- Fairclough, N. (۲۰۰۵). Ideology and Discourse Analysis. *Journal of Political Ideologies*, ۱۰(۲), ۱۲۱-۱۳۶.
- Fairclough, N. (۲۰۰۶). *Language and Globalization*. Routledge.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۹۸). *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. Sage Publications.
- Wodak, R., & Meyer, M. (۲۰۰۹). *Methods of Critical Discourse Analysis*. Sage Publications.
- In Persian
- Fairclough, Norman. (۱۳۷۹/۱۹۹۹). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language* (P. Izadi, R. Karimian, S. A. Bahrampour, M. J. Gholamrezakashi, R. Zokhodarmian, M. Nistanian, F. Shaiestepuran, Trans.). Tehran: Center for Media Studies and Research. (Original work published ۱۹۹۵)
- Gholami, Hamid. (۲۰۲۱/۱۴۰۰). *Research Source*. Andisheh Avarya Publications.
- Mohseni, Mohammad Javad. (۲۰۱۲/۱۳۹۱). "A Study on the Theory and Method of Critical Discourse Analysis." *Social and Cultural Knowledge Quarterly*, ۳(۳), ۶۳-۸۶.
- Wodak, Ruth & Meyer, Michael. (۲۰۱۹/۱۳۹۸). *Methods of Critical Discourse Analysis* (R. Ilghami, Trans.). Tehran: University and Advanced Institute of National Defense and Strategic Studies. (Original work published ۲۰۰۹)